

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم و تحقیقات و فناوری

دانشکده علوم تحقیقات اسلامی گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم قرآن و حدیث

بررسی مقایسه ای شخصیت و زندگی

حضرت اسماعیل (ع) در قرآن و و کتاب

مقدس

استاد راهنما :

دکتر مجید فلاح پور

استاد مشاور :

دکتر مهدی ابوترابی

نگارنده :

خدیجه قره داغی

اسفند ۹۰

حمد و سپاس خدای را که به من توانایی نگارش این تحفیک راعطا کرد.

و با تشکر فراوان از استاد راهنما؛ دکتر مجید فلاح پور و استاد مشاورم؛ دکتر
مهدی ابوترابی

و با سپاس از پدر، مادر و همسر عزیزم و تمامی کسانی که در نگارش این
تحقیق مرا یاری کردند.

چکیده :

تحقیق حاضر در مورد حضرت اسماعیل (ع) و فرازهای زندگی و شخصیت ایشان در قرآن و کتاب مقدس و مقایسه مطالب این دو کتاب دینی می باشد هم چنین تحقیق حاضر از نوع گردآوری مطالب و تألیف آن با تقریر و نگرشی نو میباشد؛ از آنجا که پیامبران به عنوان الگو و سرمشق انسانها به شمار می روند و زندگی آنان عبرت و نمونه ای برای بشریت در تمام اعصار می باشد؛ پرداختن به این موضوع ضرورت مییابد. علاوه بر این ناگفته نماند که چون در کتاب مقدس به ویژه تورات، چهره و تصویر دیگری از انبیای الهی ارائه شده، در این تحقیق سعی شده است که این اتهامات مطرح و بررسی و سپس با مطالب قرآن و روایات اسلامی و هم چنین تفاسیر و کتب تاریخ انبیاء و قصه‌های قرآن، مقایسه و دامن پیامبر گرامی، حضرت اسماعیل (ع) از این نوع ویژگیها و تهمتها تهذیب و پاک گردد. لذا با توجه به این که در مورد ایشان کارهای بسیار جزئی، غیرمستقل، کوتاه، گذرا، در حد مطرح کردن ماجرای زندگی ایشان در تفاسیر، کتب قصه‌های قرآن و انبیاء و تاریخ انجام شده است ما به این موضوع به صورت مستقل و به ویژه مقایسه‌های با استناد به قرآن کریم و با استفاده از روایات و تفاسیر و کتب دیگر در این زمینه پرداخته ایم.

کلید واژگان : قرآن کریم، کتاب مقدس، اسماعیل، ابراهیم، ذبح.

فهرست مطالب

| | |
|--|----|
| مقدمه..... | ۱ |
| تشابه و تمایز داستانهای قرآن و عهدین..... | ۴ |
| تورات و انجیل از دیدگاه قرآن کریم..... | ۵ |
| نقش داستانها در زندگی انسان..... | ۶ |
| گفتاری در عصمت انبیاء..... | ۸ |
| عصمت انبیاء از خطا در تلقی و در تبلیغ وحی..... | ۸ |
| روایتی مشهور در مورد تعداد انبیاء رسل و کتب مرسله..... | ۱۰ |
| کلمات..... | ۱۴ |
| تعریف مسأله..... | ۱۴ |
| سؤالات تحقیق..... | ۱۴ |
| فرضه های تحقیق..... | ۱۵ |
| پیشینه تحقیق..... | ۱۶ |

فصل اول: بررسی زندگی و شخصیت اسماعیل(ع) در قرآن و روایات

اسلامی

| | |
|--|----|
| ۱-۱- خانواده حضرت اسماعیل (ع)..... | ۱۸ |
| ۱-۲- تولد و مهاجرت به مکه..... | ۲۲ |
| ۱-۳- ماجرای ذبح..... | ۲۶ |
| ۱-۳-۱- جزئیات ماجرای ذبح..... | ۲۸ |
| 1-3-2- ادله قائلان به ذبح بودن اسماعیل(ع) و نقد آن..... | ۳۳ |
| ۱-۳-۳- ذبح ابراهیم از دیدگاه اهل بیت (ع)..... | ۳۶ |
| ۱-۳-۴- شواهدی بر ذبح بودن اسماعیل(ع)..... | ۳۸ |
| ۱-۴- بنای کعبه..... | ۴۲ |
| ۱-۴-۱- اسماعیل و بنای کعبه..... | ۴۳ |
| ۱-۴-۲- دعاهاى ابراهیم و اسماعیل (ع) پس از بنای کعبه..... | ۴۸ |

۵-۱- صادق الوعد کھیت؟ ۵۲

۶-۱- ازدواج و وفات اسماعیل (ع) ۵۵

فصل دوم: بررسی زندگی و شخصیت حضرت اسماعیل (ع) در کتاب مقدس

۱-۲- خانواده حضرت اسماعیل (ع) ۶۱

۲-۲- تولد و مهاجرت ۶۳

۳-۲- امتحان ابراهیم (ع) (ذبح) ۶۵

۱-۳-۲- جزئیات ماجرای ذبح ۶۸

۴-۲- ازدواج و وفات اسماعیل ۷۰

فصل سوم:

مقایسه قرآن و کتاب مقدس در مورد زندگی و شخصیت حضرت

اسماعیل (ع)

۱-۳- خانواده حضرت اسماعیل (ع) ۷۳

۲-۳- تولد و اسکان اسماعیل (ع) در مکه ۷۴

۳-۳- بنای کعبه ۷۸

۴-۳- ماجرای ذبح ۷۹

۵-۳- شخصیت اسماعیل (ع) ۸۲

نتایج ۸۵

فهرست منابع ۸۷

یکی از زمینهای قرآن پژوهشی که از دیر باز مورد توجه بسیاری بوده و به آن پرداخته شده است، داستان پیامبران است، که از دیدگاههای گوناگون درباره آن پژوهشهای بیشماری انجام شده است، اما با این حال هنوز پیمانۀ پژوهش در این زمینه مثل سایر زمینها پر نشده و ناگفتهها و نانوشتهها و مطالب روشن نشده در آن کم نیست.

بی گمان، قرآن کتابی استوار و درستترین مأخذ از نظر تاریخی است که به دست ما رسیده، زیرا از یک سو قطعی السند است و از طرفی هم کتاب خداست که از هیچ سمت و سویی نه از پیش و نه از پس باطل در آن راهی ندارد!

از این رو، در درستی متن قرآن، هیچ زمانی شک و تردید راه نمیابد؛ چرا که پشتوانهای چون وثاقت تاریخی جدل ناپذیری دارد و آن، اینکه قرآن از آغاز نزول تا پایان آن به املاء پیامبر اکرم و با نظارت ایشان نوشته و تدوین و پیش از سفر جاودانی آن حضرت، به تصدیق و امضای نهایی وی رسیده و نیز مقدمهها و گزارشهای قرآنی همه، رویدادها و پیشامدهایی تاریخی و واقعی است که هیچ گونه خیالپردازی و افسانهسازی در آن نقش ندارد، افزون بر این خداوند متعال خود، نگهداری و پاسداری از آن را در برابر هر نوع تغییر و دگرگونی به عهده گرفته است و فرموده: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱؛ بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود. و نیز فرموده است: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ؛ فَإِذَا قَرَأَهُ فَأَتَّبِعْ قُرْآنَهُ؛ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾^۲؛ در حقیقت گرد آوردن و خواندن آن بر [عهده] ماست، پس چون آن را بر خواندیم [همان گونه] خواندن آن را دنبال کن، سپس توضیح آن [نیز] بر عهده ماست!

از اینجاست که، قرآن از آفت دگرگونی و تحریف و گسستگی سند سالم مانده و به سرنوشت کتب پیشین دچار نشد و کتابهایی که خداوند نگهبانی آن را بر عهده نگرفته بود به مردم وا گذاشته شد، چنانکه، خداوند فرموده است: «عالمان ربانی و احبار که پاسداری کتاب خداوند از آنان خواسته شده بود»^۳.

راز این دوگانگی این است که دیگر کتابهای آسمانی برای روزگاری ویژه فرستاده شده بودند و نه برای همیشه، قرآن آمده تا در عین راست شمردن و تصدیق کتب پیشین، بر آنها برتری یابد، و برای همیشه بماند، آری قرآن همه حقایق ثابتی را که در آن کتابها بود با افزونیهایی که خدا خواسته بود در بر دارد و کمبودهای آنها را جبران میکند، از این روی خدای متعال خواست که

۱ - حجر: ۹.

۲ - قیامت: ۱۷-۱۹.

۳. مهران بیومی، محمد راستگو، بررسی تاریخی قرآن، ص ۱-۶.

این کتاب همچون حجتی برای همیشه بماند و آنچه را خدا بخواهد اسباب و ابزارش را نیز فراهم میکند که او دانا و استوار کار است!

شگفتا که با تمام این اوصاف، تاریخ‌نویسان چه غربی چه شرقی، چه مسلمان چه غیر مسلمان همه تورات را به چشم مأخذی اساسی و استوار برای پژوهش در زمینه دوره‌هایی از تاریخ کهن خاور نزدیک میدانند؛ با اینکه همه و یا نزدیک به همه اتفاق دارند که سند آن استوار نیست و این را باور دارند.

با اینکه، صدها بحث و بررسی در سند آن و انتسابش به این و آن انجام شده و در این مورد کشمکش بسیاری شده است، هیچ یک بر این اندیشه نبوده‌اند که در بررسی‌های تاریخی به قرآن مراجعه کنند! این کتاب آسمانی بزرگ که همه اندیشه‌وران جهان چه مسلمان چه غیرمسلمان به درستی سند و استواری متن آن اجماع دارند، چنانکه، حتی سر ویلیام مایر؛ از دشمنان کینه‌توز اسلام هم به درستی و وثاقت آن و دقتی که در متن قرآن وجود دارد اعتراف میکند. نولدکه و لبلویس هم به این موضوع تأکید میکنند.

بیگمان قرآن کریم در قصه‌های خود آگاهی‌های مهم و دست‌اولی درباره تاریخ پیش از اسلام و سرنوشت حکومت‌های آن روزگاران در اختیار ما میگذارد، آگاهی‌هایی که کشفیات جدید را تأیید میکند. مثلاً؛ با بیان داستان ابراهیم، آگاهی‌هایی درباره عراق قدیم در اختیار ما میگذارد.

اما نباید قرآن را کتابی تاریخی پنداشت که از رویدادهای گذشته مثل تاریخ نگاران سخن می‌گوید، بلکه قرآن کتابی هدایت‌کننده و راهنمای به استوارترین راهها و آیینهاست. هرگز نباید از یاد برد که داستانهای قرآن، همه یک سره حقیقت و خالی از گزافه و خیال‌پردازی و گمانه است، چرا که؛ خداوند فرمود: چه کسی از خدا راستگو تر است! همانا که این قصه‌گویی قرآن، یکپارچه حق و درست است.^۴

تشابه و تمایز داستانهای قرآن و عهدین

با مطالعه دقیق قرآن و کتابهای آسمانی پیشین، به ویژه تورات کنونی و مقایسه آنها با قرآن، به این نتیجه میرسیم که قرآن کریم گذشته از تفاوت‌های ماهوی با عهدین، از نظر برخورداری از ویژگی اعجاز، جهان شمولی، اسلوب و روش خاص هدایتی، هماهنگی و انسجام آیات در مفاهیم و مضامین، گرایش و دعوت همگانی به تفکر و تربیت عقلی، تکیه بر واقعیتها و عبرتهای تاریخی، زیبایی تعبیر و شیوایی معنا و تنزیه و تطهیر سیمای پیامبران و اولیای الهی و... نیز متفاوت است و همه اینها نشان از برتری قرآن دارد.

از جنبه‌های دیگر، تفاوت‌هایی میان این دو وجود دارد؛ که قابل تأمل است و از طرفی شباهت و مشترکاتی در زمینه قصهها نیز دارند؛ این تشابه از طرفی زمینه ورود بسیاری از اسرائیلیات و اندیشه‌های انحرافی در احادیث تفسیری شده و از طرفی هم زمینه اتهام را به وجود آورده که پیامبر اکرم (ص) قصص و معارف قرآن را از کتب پیشین اقتباس کرده است.^۵

وجوه تشابه و تمایز

تورات و انجیل، بسیاری از قصص قرآن، به ویژه داستان پیامبران را دارا هستند، با این تفاوت که قرآن به طور اجمال به آنها اشاره کرده ولی در عهدین با جزئیات، همراه پیرایه‌هایی ذکر شده است و قرآن بیشتر به جنبه‌هایی میپردازد که حامل نکته تربیتی و اخلاقی است؛ نه مثل عهدین که به موضوعات کم اهمیت و جزئی مثل نام اماکن و تاریخ حوادث و... میپردازد.

علاوه بر آن، از نظر کمیت و کیفیت محتوا نیز تفاوت دارند. از بسیاری از سرگذشتها و رویدادهای تاریخی یاد شده در قرآن هیچ اثری در عهدین نیست؛ به ویژه در تورات، مثل داستان - های مربوط به هود، صالح، لقمان حکیم، ذوالقرنین، اصحاب کهف و برخی مطالب مربوط به حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) مثلاً در داستان ذبح و ماجرای مهاجرت ایشان به مکه. از آنجا که قرآن کریم اولین و مهمترین منبع و مأخذ مسلمانان و پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد (ص) به شمار می‌آید، از دیرباز مستشرقان به ویژه محققان یهودی، تمام توان و تلاش خود را به کار بسته‌اند تا به رشک، چهره تابناک قرآن را با شبهات و ایرادات گوناگون کلامی، غیر وحیانی، بشری، ساخته ذهن پیامبر و متأثر از اندیشه‌های انحرافی بیگانگان معرفی کنند، به خصوص که ورود اسرائیلیات به برخی منابع اسلامی، به حربهای در دست آنان تبدیل شده است و لذا قرآن را تکرار احکام و داستانهای تورات میدانند.

^۵ محمدتقی دباری، پژوهشی در اسرائیلیات در تفاسیر، صص ۶۳-۷۳

- ابوبکر باقلانی با توجه به تحدی قرآن کریم به آورندهی آن، این ادعای مستشرقان را مردود می‌شمارد: «مسلماً آنچه را قرآن از داستانهای پیشین آورده و سیره و سرگذشت و پیشامدهای اقوام گذشته را در بردارد آگاهی از آنها جز از طریق ملاقات با اهل سیره و بحث و مطالعه و همنشینی با آنان و خواندن کتب و فهم آنان امکانپذیر نیست؛ در حالیکه میدانیم پیامبر اکرم (ص)، هیچ کتابی نخوانده و چیزی ننوشته است و از دامن کسی زاده نشده که آگاه به کتابها و قادر به بررسی و مطالعه آنها، یا همنشین با اهل سیره باشد، این معنا روشنگر است که تنها مخبر این امور، خداوند سبحان است که به هر غیبی آگاه است».^۶

تورات و انجیل از دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم با دیده احترام و قبول به انجیل و تورات مینگرد، در عین حال تورات و انجیل کنونی را که در دسترس پیروان این دو آیین است، دست نوشته مردم و تحریف شده از سوی دانشمندان اهل کتاب معرفی میکند و در برخی آیات نیز به تحریف تورات اشاره میکند، مانند: ﴿مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾^۷؛ برخی از آنان که یهودی‌اند، کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند.

- علاوه بر شواهد فراوان قرآنی، از نظر تاریخی نیز دانشمندان و محققان اتفاق نظر دارند که نسخه اصلی تورات و عهد عتیق، به دست سپاه بخت نصر ناپدید شده است و وقتی انتیوکس پادشاه پادشاهان فرنگ، اورشلیم را فتح کرد، نسخه‌های آن را سوزاند و فرمان قتل کسانی را که نسخه‌های عهد عتیق را داشتند، صادر کرد.

این حادثه بیش از صد سال پیش از میلاد مسیح رخ داده است. از مقایسه داستانها و دیگر موضوعات موجود در تورات با معارف قرآن کریم، این حقیقت نیز کشف میشود که تورات کنونی فرود آمده از جانب خدا نیست، بلکه به گفتهی پژوهشگران و مورخان، همهی مطالب آن با قلم یهودیان به رشته تحریر در آمده است و موضعی از تورات فعلی به محرف بودن آن تصریح دارد مانند: «ولکن وحی یهوه را دیگر ذکر ننمایید؛ زیرا، کلام هرکس وحی خواهد بود؛ چون که کلام خدای حی، یعنی یهوه صبا یوت خدای ما را منحرف ساختهاید».^۸

نقش داستانها در زندگی انسان

یکی از بخشهای مهم قرآن، داستانهای پیامبران و پیشینیان و حوادث عصر نزول قرآن است، به طوری که قسمت بسیار مهم قرآن به بیان سرگذشت پیشینیان اختصاص یافته؛ چرا که تاریخ

۶ - محمد تقی دباری، پیشین، ص ۶۳ - ۷۳.

۷ - نساء: ۴۶.

۸ - ارمیا، باب ۲۳ و ۲۴.

حقیقی، دور از خرافه و هرگونه دروغ، مثل آینه صاف، زشتی و زیبایی را نمایش می‌دهد و کامیابی و ناکامی و عوامل و نتایج آن را به طور خلاصه، تمام قامت جوامع انسانی را منعکس میکند.

تاریخ، آزمایش مسائل گوناگون است؛ چرا که آنچه را انسان در ذهن خود با دلایل عقلی ترسیم میکند، آن را در صفحه‌ی تاریخ، به صورت عینی مییابد و هیچ چیزی مانند تاریخ، نشانگر واقعیات زندگی نیست که ملموس باشد.

تاریخ، یکی از منابع بزرگ معرفت و شناخت است، و داستانهای حقیقی آن فرازهای تاریخ است که ارزشمندترین تجربیات پیشینیان را برای ما به ارمغان می‌آورد و لذا، نقشی سازنده و اثر بخش در تربیت انسان دارد.

قرآن یک کتاب کامل تربیتی است که از تاریخ زندگی پیشینیان که وسیله مهم هدایت است، حداکثر استفاده را مینماید و با نشان دادن الگوها در اعماق عواطف نفوذ میکند و موجب تغییر و تحول میشود.

هدف قرآن از ذکر داستانها، داستانسرایی و سرگرمی نیست، بلکه از جاذبه داستان که دارای کشش ویژه‌ای است استفاده کرده، تا اندیشه‌ها را بارور کرده و موجب عبرت و تحول گردد.

﴿فَأَقْصَصَ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛^۹ پس این داستان را حکایت کن، شاید که آنان بیندیشند.

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾؛^{۱۰} به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است

برهمن اساس، امیر مومنان علی(ع) داستانهای قرآن را سودمندترین داستانها برای تربیت و پالایش نفوس دانسته و به فراگیری آنها تأکید میکند: «قرآن را فراگیرید که بهترین گفته‌هاست و آن را با نیکوترین صورت تلاوت کنید که سود بخشترین سرگذشتهاست»^{۱۱}.

۹ - اعراف: ۱۷۶.

۱۰ - یوسف: ۱۱۱.

۱۱ - محمد مهدی اشتهازدی، قصه‌های قرآن، ص ۴.

گفتاری در عصمت انبیاء

علامه طباطبایی می فرماید: «نتیجه‌های که ما از آیه 213 سوره بقره میگیریم؛ یعنی، عصمت انبیاء احتیاج به توضیح دارد، تا روشن شود چگونه آیهی شریفه بر آن دلالت دارد، لذا میگوییم عصمت سه قسم است: یکی عصمت از اینکه پیغمبر در تلقی و گرفتن وحی دچار خطا گردد، دوم عصمت از اینکه در تبلیغ و انجام رسالت خود دچار خطا شود، سوم اینکه از گناه معصوم باشد.

گناه، عبارت است از هر عملی که مایه هتک حرمت عبودیت باشد، و نسبت به مولویت مولا مخالفت شمرده شود، و بالاخره هر فعل و قولی است که به وجهی با عبودیت منافات داشته باشد. منظور از عصمت، وجود نیرویی است در انسان معصوم که او را از ارتکاب عملی که جایز نیست چه خطا و چه گناه نگه میدارد.

و اما خطا در غیر آنچه گفتیم، یعنی خطای در گرفتن وحی و خطای در تبلیغ رسالت و خطای در عمل، از قبیل خطا در امور خارجی نظیر غلطهایی که گاهی در حواس انسان و ادراکات او و یا در علوم اعتباری پیش می‌آید، مثلاً در تشخیص امور تکوینی و اینکه آیا این امر صلاح است یا نه؟ مفید است یا مضر؟ امثال آن از محدوده بحث ما خارج است.

وبه هر حال قرآن کریم دلالت دارد بر اینکه انبیاء در همه‌ی آن جهات سهگانه دارای عصمتند».^{۱۲}

عصمت انبیاء از خطا در تلقی و در تبلیغ وحی

عصمت از خطا در گرفتن وحی و در تبلیغ رسالت، آن است که خدای متعال میفرماید: ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ﴾^{۱۳}؛ پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد- پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد- به خاطر ستم [و حسدی] که میانشان بود، [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد.

ظاهر آیه این است که، خدای سبحان، انبیاء را مبعوث کرده برای تبشیر و انذار، انزال کتاب (و این همان وحی است) تا حق را برای مردم بیان کنند؛ حق در اعتقاد و حق در عمل را، به عبارت

۱- محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ص ۲۰۰

۱۳ - بقره: ۲۱۳.

دیگر مبعوث کرده برای هدایت مردم به سوی عقاید حقه و اعمال حق و معلوم است که این نتایج عرض خدای تعالی در بعثت انبیاء بوده، و از سوی دیگر خود خدای تعالی از قول موسی(ع) حکایت کرده که فرمود: ﴿لَا يَضِلُّ رَبِّيَ وَلَا يَنسِي﴾^{۱۴} پروردگارم نه خطا می‌کند و نه فراموش می‌نماید.

پس، از آیه مورد بحث و این آیه میفهمیم؛ خدا هرچه را بخواهد از طریقی میخواهد که به هدف برسد و خطا و کم شدن در کار او نیست و هر کاری را به هر طریقی انجام دهد در طریقه‌هاش گمراه نمیشود و چگونه ممکن است غیر این باشد؟ حال آنکه زمام خلقت و امر به دست او و ملک و حکمرانی خاص وی است.

حال، که این معنا روشن شد؛ میگوییم یکی از کارهای او بعثت انبیاء و تفهیم معارف دین به ایشان است و چون این را خواسته، البته میشود؛ یعنی، هم انبیا را مبعوث میکند و هم انبیا، معارفی را که از او میگیرند، میفهمند.

یکی دیگر از خواسته‌های او این است که انبیا، رسالت او را تبلیغ کنند و چون او خواسته تبلیغ میکنند و ممکن نیست تبلیغ نکنند، چون در جای دیگر فرموده: ﴿إِنَّ اللَّهَ بِأَلْبَابِ أَعْيُنِهِمْ فَذُكِّرُوا بِاللَّهِ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾^{۱۵}؛ خدا فرمانش را به انجام رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است. و نیز فرموده ﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ﴾^{۱۶}؛ و خدا بر کار خویش چیره است. و این همان عصمت از خطای در تلقی و تبلیغ است.

حال، باید گفت که افعالی که از انبیا سر میزند که فرض کردیم همه اطاعت خداست، افعالی است اختیاری عینا مانند همان افعال اختیاری که از خود ما سر میزند چیزی که هست، در ما همانطور که گاهی عبادت است و گاهی معصیت، و شکی نیست که فعل اختیاری از این علم و مشیت ناشی میشود. اختلاف فعل از نفس صادر میشود اگر مطلوب یعنی همان صورتهای علمیه، پیروی هوس و ارتکاب عملی باشد که خدا از آن نهی کرده؛ معصیت سر میزند و اگر مطلوب حرکت از مسیر عبودیت و امر مولی باشد؛ اطاعت محقق میشود پس اختلاف اعمال ما که یکی اطاعت نامیده میشود و دیگری معصیت به خاطر اختلافی است که در علم صادر از نفس ما وجود دارد؛ حال اگر یکی از این دو علم؛ یعنی، حرکت در مسیر عبودیت و امتثال امر الهی ادامه یابد، معلوم است که جز اطاعت عملی از انسان سر نمیزند و اگر آن یکی دیگر؛ یعنی، حرکت در مسیر هوای نفس که مبدأ صدور معصیت است، ادامه یابد، جز معصیت از انسان سر نخواهد زد!

۱۴ - طه: ۵۲.

۱۵ - طلاق: ۳.

۱۶ - یوسف: ۲۱.

بنابراین، این اطاعت از خدا در رسول خدا صدوری است دائمی و یعنی اینکه او دائماً باید بنده باشد و اطاعت کند و معلوم است که صورت علمیه و هیأت نفسانیهای که راسخ در نفس است و زوال پذیر نیست ملکه‌های است نفسانی مانند شجاعت، عفت و عدالت و امثال آن.

پس در رسول خدا ملکه نفسانیهای هست که تمامی از آن ملکه صادر است و چون ملکه صالح‌های است همه افعالش اطاعت و عبادت خداست و همین ملکه او را از معصیت باز میدارد.^{۱۷}

روایتی مشهور در مورد تعداد انبیا، رسل و کتب مرسله

نقل شده که ابوذر از رسول خدا(ص) پرسید: «انبیا چند نفر بودند؟» ایشان فرمودند: «صد و بیست و چهار هزار نفر» پرسید: «مرسلین چند نفر بودند؟» فرمود: «سیصد و سیزده نفر که خود جمعیتی بسیارند» پرسید: «اولین پیامبر چه کسی بود؟» فرمود: «آدم که جزء مرسلین بود.» سپس فرمود: ای ابوذر چهار تن از انبیا سربانی بودند: آدم، شیث، اخنوخ(ادریس) و چهارم نوح(ع)؛ که ادریس اول کسی است که با قلم خط نوشت، چهار نفر دیگر از عرب بودند: صالح، هود، شعیب، پیامبر تو محمد(ص) و اولین پیامبر از بنی اسرائیل موسی و آخرین ایشان، عیسی(ع) بین آن دو ششصد پیامبر بودند.» پرسید: «خدای تعالی چند کتاب نازل کرده؟» فرمود: «صد کتاب کوچک و چهار کتاب بزرگ، خدا پنجاه صحیفه بر شیث نازل کرد، سی صحیفه بر ادریس، بیست صحیفه بر ابراهیم و چهار کتاب بزرگ تورات، انجیل، زبور و فرقان.»

این روایت از روایات مشهور بین شیعه و سنی است که در کتابشان نقل کرده‌اند.^{۱۸}

اهداف پیامبران در یک جمله خلاصه میشود که عبارت است از: پاک سازی و بهسازی.

در قرآن نام ۲۶ پیامبر به صراحت ذکر شده و نام حضرت اشموئیل و خضر گرچه به صراحت ذکر نشده ولی مطالبی از آنها به میان آمده است. پیامبرانی که علاوه بر پیامبر اسلام(ص) نام آن - ها صریح در قرآن آمده ۲۵ نفر هستند که اگر نام خضر و اشموئیل را به آنها بیفزاییم ۲۷ نفر به ترتیب زیر خواهند بود: ۱- آدم، ۲- ادریس، ۳- نوح، ۴- هود، ۵- صالح، ۶- ابراهیم، ۷- اسماعیل، ۸- اسحاق، ۹- لوط، ۱۰- یعقوب، ۱۱- یوسف، ۱۲- یوب، ۱۳- ذی الکفل، ۱۴- شیث، ۱۵- موسی، ۱۶- هارون، ۱۷- اشموئیل، ۱۸- داود، ۱۹- سلیمان، ۲۰- یونس، ۲۱- الیاس، ۲۲- الیسع، ۲۳- عزیز، ۲۴- خضر، ۲۵- زکریا، ۲۶- یحیی، ۲۷- عیسی.^{۱۹}

با توجه به مطالبی که گفته شد مشخص میگردد که داستانهای انبیا تا چه حد در زندگی انسانها تأثیر دارد و برای آنها مهم، لازم و مفید است، چرا که هم از آنها و زندگیشان عبرت

^{۱۷} - محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ص ۲۰۰

۱۸ - همان.

۱۹ - محمد مهدی اشتهاردی، قصه‌های قرآنی، ص ۵.

میگیرند و هم میتوانند هر یک از انبیا را برای خود الگو و سرمشق نیکویی قرار دهند تا به درجه والای انسانی و مراتب کمال برسند.

ضرورت پرداختن بیشتر به زندگی هر یک از انبیا و شخصیت آنان نیز مشخص شد، به خصوص که در تورات تصویر دیگر گونه‌های از پیامبران الهی که هم معصوم هستند و هم اسوه حسنه و محبوب خدای متعال، ارائه شده است و در حد افراد عادی حتی پایینتر از یک فرد عادی نزول داده شده‌اند و مقام والای آنها را مخدوش کرده‌اند.

لذا، این موضوع اهمیت مییابد که به زندگی و شخصیت این بزرگواران بیشتر و بهتر و به صورت مستقل و مفصل پرداخته شود و بر مبنای قرآن، تفاسیر، روایات صحیح و معتبر و با توجه به مطالب کتاب مقدس تمام جنبه‌های زندگی پیامبران بررسی میشود و حقیقت آشکار گردد و غبار تهمت و تحریف از چهره این بزرگان زدوده شود.

از این رو، بر آن شدیم تا به نوبه خود در مورد یکی از پیامبران، که هم در قرآن و هم در کتاب مقدس به زندگی او پرداخته شده است تحقیق حاضر را بنگاریم و با توجه به اینکه تحقیق چندانی در مورد حضرت اسماعیل (ع) به صورت مستقل و مقایسه‌های صورت نگرفته و فقط در برخی کتب به نقل مطالب تورات حتی متأسفانه گاهی به تأیید این اراجیف و تهمتها و به نقل ماجرای زندگی و طرح دیدگاههای مختلف در مورد جنبه‌های زندگی آن حضرت بسنده کرده‌اند، این بر اهمیت این تحقیق و ضرورت انجام گرفتن آن میافزاید.

تحقیق حاضر شامل سه فصل میباشد:

فصل اول که با عنوان زندگی و شخصیت حضرت اسماعیل در قرآن ، به موضوعات فرعی

مثل خانواده ایشان، تولد و مهاجرت ایشان، ماجرای ذبح و اختلافاتی که در این زمینه بین مسلمانان و مفسران و اندیشمندان وجود دارد و بررسی و نقد ادله موافقان و مخالفان و بالاخره برگزیدن نظر درست با توجه به دیدگاه اهل بیت در این زمینه، ماجرای بنای کعبه و ادعیه ایشان به همراه پدر بزرگوارش ابراهیم خلیل (ع) و ازدواج و رحلت ایشان براساس قرآن کریم، روایات، تفاسیر و کتب تاریخ انبیا و قصص قرآن پرداخته‌ایم.

در فصل دوم که با عنوان زندگی و شخصیت حضرت اسماعیل در کتاب مقدس آمده

است، به ذکر ماجراهای زندگی ایشان یعنی همان تولد، مهاجرت، ذبح، شخصیت و ازدواج ایشان با توجه به مطالب کتاب مقدس، قاموس کتاب مقدس و سایر کتب و مقالات در این زمینه پرداخته - ایم.

در فصل سوم، به مقایسه مطالب این دو فصل پرداخته و سعی کردیم نشان دهیم که حقیقت

چیست و شکل حقیقی این ماجرا و داستانها چگونه بوده است، کدام یک اصیل و معتبر و قابل قبول است. با توجه به شواهد و دلایل کدام یک پذیرفتنی است؟ با توجه به کدام منبع از یک

پیامبر الهی میتوان الگو و سرمشق نیکو برای خود برگزید و به راه او رهنمون شد و در مسیر زندگی او گام برداشت؟

سرانجام به این نتیجه میرسیم که قرآن کریم در مورد پیامبران تصویری واضح، صحیح و نیکو و نمونه ارائه میدهد که هر کسی آن را بخواند به راحتی در مییابد، پیامبران الهی برای هدایت بشر به سوی عبادت و اطاعت خدا فرستاده شده اند. کتاب مقدس حاوی مطالبی است که حتی با عقل انسانها هم تعارض دارد و مسائلی که در آن به پیامبران نسبت داده شده و در مورد ایشان نقل شده به هیچ وجه نمیتواند حقیقت داشته باشد؛ چرا که اگر چنین باشد اصلاً پیامبران قابل الگوبرداری نبوده و حتی قابلیت هدایت انسانها را دارا نمیباشند و خود نیاز به هدایت دارند.

این مسأله در مورد حضرت اسماعیل(ع) نیز صادق است. در آخر حقیقت را آشکار کرده و ثابت کردیم که ایشان یک پیامبر عالی قدر، رشد و نمو کرده در یک خانواده عالی با شرایط بسیار خاص و والاست؛ فرزند پیامبری دارای امتیازات بسیار نزد خداست؛ برادرش پیامبری نمونه است؛ لوط نبی که از نزدیکان و خویشان ایشان است، پیامبر است؛ مادرش زنی نمونه است؛ چطور او میتواند دارای خصوصیات زشت و ناپسند باشد!

کلیات تحقیق

تعریف مساله

نام حضرت اسماعیل(ع) در قرآن کریم ۱۱ بار و در ۷ سوره آمده است، ایشان فرزند اول ابراهیم خلیل(ع) و جد پیامبر اکرم(ص) میباشد.

قرآن ایشان را فردی بردبار، حلیم، برگزیده، نیکوکار، شایسته و از صابران و همچنین از کسانی که داخل در رحمت الهی هستند معرفی میکند.

نام حضرت اسماعیل(ع) در تورات نیز، در سفر پیدایش پس از ماجرای ابراهیم، آمده است با این تفاوت که به گونه‌ی دیگری آن حضرت را معرفی مینماید، تورات آورده که وقتی ابراهیم خلیل(ع) از خداوند درخواست میکند که اسماعیل(ع) در حضور او زیست کند خداوند در جواب ایشان فقط از کثرت نسل اسماعیل(ع) و برکت در امت و نسل او سخن میگوید و در ادامه عهد خویش را با فرزند کوچکتر یعنی اسحاق استوار میکند و میگوید که اسماعیل(ع) وارث ایشان نخواهد بود، هر چند که در تورات موجود برای نخست زادگی حق و حقوق و امتیازات خاصی ذکر شده، اما برخلاف آن، حضرت اسماعیل(ع) از این حقوق محروم شده است و حتی تورات نویسان پا را فراتر نهاده و این شخصیت بزرگوار را فردی ناسازگار، وحشی و برضد همه و همه بر ضد او معرفی میکنند.

در تورات، ذبیح الله، اسحاق است نه اسماعیل، با اینکه در روایات اسلامی چنین نیست و در قرآن نیز این مسأله این طور به نظر نمیرسد.

سوالات تحقیق:

حال با توجه به این مقدمه سوالاتی مطرح میشود:

- ۱ - توصیف قرآن و روایات اسلامی از اسماعیل(ع) چگونه است؟
- ۲ - توصیف تورات از اسماعیل(ع) چگونه است؟
- ۳ - کدام یک از منابع فوق(تورات و قرآن کریم) در مورد معرفی اسماعیل(ع) صحیحتر و اصیلتر است؟
- ۴ - ذبیح ابراهیم(ع)، کدام فرزند اوست، اسماعیل(ع) یا اسحاق(ع)؟
- ۵ - علت مهاجرت اسماعیل(ع) به مکه چه بود؟
- ۶ - اسماعیل صادق الوعد چه کسی است؟

فرضیه‌های تحقیق:

- ۱ - قرآن کریم حضرت اسماعیل را پیامبری برای هدایت جهانیان، فردی شایسته، نیکوکار، صبورو بردبار، تسلیم فرمان الهی، کمک دست پدر در بنای کعبه(خانه خدا) معرفی میکند.
- ۲ - تورات حضرت اسماعیل را فردی ناسازگار، وحشی و تندخو، که با برادران خود حتی با پدرش ناسازگار است، معرفی میکند و فقط نسل او را کثیر میخواند که امتهای عظیمی از او پدید میآیند و دارای هیچ امتیاز دیگری نیست.
- ۳ - با توجه به این که قرآن کریم از گزند حوادث و دستبرد تحریف مصون مانده و برعکس تورات موجود که تحریف شدن آن را قرآن نیز تأیید میکند و دست غیر بر آن گشوده شده است، لذا پر واضح است که معرفی قرآن از حضرت اسماعیل اصیلتر و صحیحتر میباشد، چرا که قرآن منبعی الهی و سرشار از حقیقت است.
- ۴ - ذبیح ابراهیم (ع) بر اساس قرآن و روایات، حضرت اسماعیل (ع) و در تورات حضرت اسحاق، معرفی شده است، اما در برخی منابع و تفاسیر اسلامی نیز ذبیح، اسحاق(ع) معرفی شده است که به نظر میرسد در این نظریه اسرائیلیات و عقاید یهود بی تاثیر نبوده‌اند.
- ۵ - قرآن کریم از علت مهاجرت ایشان حرفی به میان نیاورده است، اما در سایر منابع اسلامی و روایات، علت مهاجرت اسماعیل(ع) و مادرش هاجر، حسادت ساره به او، پس از تولد اسماعیل(ع) ذکر شده است و در تورات علت مهاجرت، ناسازگاری اسماعیل(ع) با اسحاق(ع) و هم چنین نافرمانی و بی احترامی هاجر نسبت به ساره عنوان شده است.
- ۶ - در مورد اسماعیل صادق الوعد، میان علما اختلاف وجود دارد، در برخی منابع، اسماعیل بن ابراهیم (ع) و در برخی منابع دیگر، اسماعیل بن حزقیل، صادق الوعد، معرفی شده است.

پیشینه تحقیق

در مورد حضرت اسماعیل (ع) و جنبه‌های مختلف زندگی ایشان در قرآن و منابع اسلامی چه شیعه و چه سنی مانند المیزان، مجمع البیان، روض الجنان، تبیان و... در کتب روایی مانند اصول کافی و بحار الانوار و در کتب قصصالقرآن و قصصالانبیا مطالبی آمده است اما در منابع ذکر شده به صورت کلی و در کنار سایر انبیاء اشاره شده بود که این مطالب مختصر، گاهی کلی و گاهی خیلی گذرا هستند و ضرورت و وجه تمایز این تحقیق از آن جهت است که در این تحقیق به این موضوع دقیق و مستقل و به صورت مقایسه‌های پرداخته شده است و همچنین در تحقیق حاضر تناقضات و تحریفاتی که در این زمینه بین منابع وجود دارد مشخص و تصحیح شده است. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی تحلیلی بوده و به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است. تحقیق حاضر شامل فصلهای زیر می‌باشد:

فصل ۱: بررسی زندگی و شخصیت اسماعیل(ع) در قرآن

فصل ۲: بررسی زندگی و شخصیت اسماعیل(ع) در کتاب مقدس

فصل ۳: مقایسه قرآن(روایات) و کتاب مقدس در زمینه‌ی زندگی و شخصیت

اسماعیل (ع)

فصل اول

بررسی زندگی و شخصیت اسماعیل (ع)

در قرآن و روایات اسلامی